خراسان رضوی

صفحه آخر

دوشنبه
۲۶ مهر ۱۳۹۵
۱۵ محرم ۱۴۳۸
۸ صفحه/شماره ۳۴۰۷

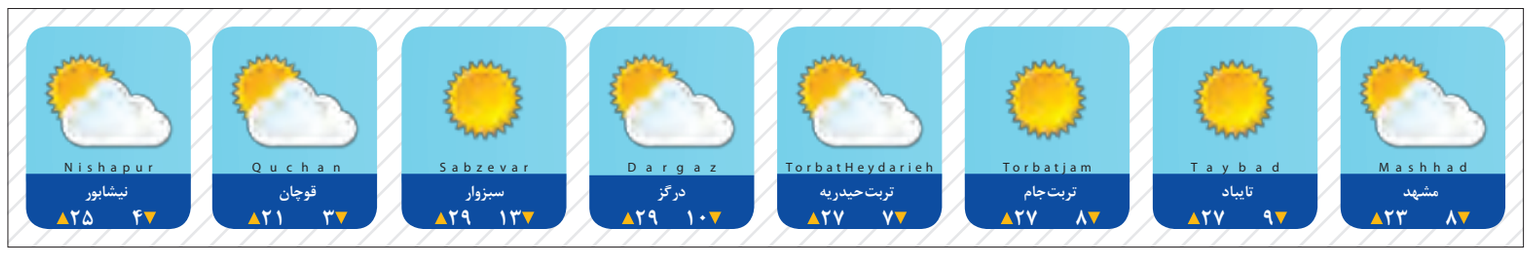

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان
مدیر مسئول: محمد سعید احدیان
سردبیر: سیدعلی علوی

دفتر مرکزی: مشهد، بلوار شهید صادقی
صندوق پستی: ۵۱۱-۹۱۷۳۵
تلفن: ۳۷۶۳۴۰۰۰-۰۵۱

نمابر دبیرخانه: ۰۵۱۳۷۶۲۴۳۹۵
پذیرش آگهی و اشتراک: ۰۵۱۳۷۰۱۰
پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

چاپ مشهد: شهر چاپ خراسان
روابط عمومی: ۰۵۱۳۷۰۰۹۱۱۱
نمابر تحریریه: ۰۵۱۳۷۶۲۶۵۰۱

حکمت روز

امام حسین(ع)

چون برای عاقل مشکلی پیش آید، غم خود را با هوشیاری و دوراندیشی از میان می برد و عقل را به چاره جویی وامی دارد.

(نزهة الناظر و تنبیه الخاطر، ص۸۴)

شاعران خراسانی

شفیعی کدکنی

دلنوشته

مصطفی میرجانیان

اینجا ریختن هر زباله، قامت مردی را خم می کند

باد سردی می وزید، دستانم سرد و یخ زده بود، خواستم دستانم با گرمای لیوان چای، گرم شوند که رفتم نزدیک خیمه نذری، صدای نوحه موجی بود که دل ها را نوازش می داد، نوازش دود اسپند خیمه نذری همراه با موج صدای نوحه چشم هایم را دریایی کرد، خواستم چای را بردارم، نگاهم افتاد به نگاه مردی که با دستان سرد و یخ زده و لباس نارنجی رنگ به تن به من چشم دوخته بود، خستگی از نگاهش موج می زد، موج های پیشانی اش نمایشگری به بزرگی پرچم های خیمه بود که انگار آن مرد خسته و فرسوده است. فرسودگی اش، فرسودگی دل نبود، جانش فرسوده بود. آن مرد فرسوده جان بر روی جدولی رو به روی خیمه نشسته بود و دستانش را به هم می مالید تا گرم تر شوند. احساس سرمای دستانش مرا به یاد دستان خودم انداخت با این تفاوت که دستان او پینه بسته و چروکیده بود، پینه های دستانش نشان دهنده سال ها جارو کشی های شبانه و سحرگاهانه خیابان ها بود، خیابان هایی که مانند موج های پیشانی اش طویل و طولانی بودند، خیابان هایی که مانند دستان خالی اش در سحرگاه ها خالی از مردم و هیاهو بودند.

لیوان چای را آرام برداشتم، دستانم با گرمایش گرم شد، به خود آمدم و گفتم چه خوب است گرمای لیوان چای را به دستان آن مرد هدیه دهم. آرام آرام انگار که پاهایم با دادن این هدیه کوچک اما بزرگ، موافق بودند، حرکت کردم. باد سردی می آمد، برتکه جدولی که آن مرد تکیه داده بود تکیه کردم، دستانم آرام لیوان چای را تقدیم آن مرد کرد. مرد خسته هم با لبخند ملیحی گرما را میهمان دستان خودش کرد.

صدای نوحه موجی بود که همه دل ها را نوازش می داد.

دوست داشتم او را از این حالت خستگی خارج کنم اما نمی دانستم چطور. آرام و زیر لب علت موج زدن خستگی در چهره اش را پرسیدم و او که خواست موج خستگی را پشت دریای چهره اش مخفی کند، باز لبخند ملیحی زد و گفت این موج زمان است که در حال غرق کردن جوانی من است. آهی کشید و باز گفت هر سحر از خانه که بیرون می آیم، جاروی چوبی ام را به دست می گیرم و با توکل شروع می کنم و خیابان ها را از ناپاکی ها پاک می کنم. از جوانی ام محرم ها علاوه بر این کار همیشگی در تکیه ها هم خدمت می کردم اما نمی دانم چرا امسال با این که موبی در این راه سفید کرده ام، افتخار موج بودن در دریای عشق حسین(ع) را ندارم.

مرد صورتش نمناک شد و گفت امسال کمر درد اجازه جارو کشی جلوی خیمه نذری را به من نمی دهد. صدای نوحه موجی بود که دل ها را نوازش می داد و سردی هوا... نگاهم به موج هایی بود که باد به پرچم های خیمه هدیه می داد. چشمم به جلوی خیمه افتاد که دریایی از لیوان های استفاده شده در خیابان و اطراف خیمه ریخته شده بود و باز این موج باد بود که دریای لیوان را تکان می داد. از طرفی ناگهان نگاهم به پرچمی دوخته شد که روی آن نوشته بود «این جا ریختن هر زباله قامت مردی را خم می کند». پاهایم ایستاد، موج احساس تمام وجودم را غرق کرد و دستانم جاروی چوبی را از مرد خسته تقاضا و شروع به جارو کشی زمین کردند. مرد خسته گفت چه می کنی؟ این وظیفه من است... لبانم به سخن باز شد و گفت ای کاش این پرچم می توانست به مردم شهرم بگوید «این جاست که ریختن هر زباله نه قامت مردی، بلکه قامت بزرگ مردی را خم می کند».

خراسان به روایت خراسان

۲۶ مهر سال ۱۳۲۹

با یک تماس، کبریت روشن را در خانه تحویل بگیرید!

۶۶ سال پیش در چنین روزی، «خراسان» نوشت:

مشهد؛ آگهی واردہ – اهالی محترم مشهد، برای راحت شدن از دست کبریت های نامرغوب، از کبریت های ساخت کارخانه کبریت روشن استفاده کنید. برای خرید جزئی و کلی کبریت روشن، مستقیماً یا به وسیله تلفن، با کارخانه ما تماس بگیرید تا کبریت برای شما فرستاده شود. مدیر کارخانه: تقی نیک نژاد؛ تلفن ۳۵۳

قند در جام نایاب است

خبرنگار خراسان؛ تربت جام - خبرنگار ما از تربت جام گزارش داده است که یک نفر جهانگرد به نام وادیا، تبعه انگلیس، با دوچرخه خود وارد جام شده و شب را هم همانجا مانده است. همچنین، از قرار اطلاع، قند در تربت جام کمیاب است و علت آن هم متوجه عاملین توزیع اداره دارایی است که حواله های دارایی را رد نموده و جوابگوی اهالی نیستند. خبرنگار ما از جام پیشنهاد کرده، خوب است از تحویل شکر و قند به این قبیل عوامل خودداری نمایند. ماجرای برق جام هم دارد مسئله کهنه ای می شود. برق این شهر وضع اسف انگیزی دارد. دو ماه است که جام شب ها خاموش است و مردم برق ندارند و کسی هم جوابگو نیست. مردم خواستار بررسی و رسیدگی جدی هستند و باید کسی به دادشان برسد.

نامه های بدون نام و نشان را چاپ نمی کنیم

خراسان؛ اطلاعیه مدیر مسئول - همه روزه مقداری نامه و لوایح از اشخاص مختلف به دفتر روزنامه می رسد که در آنها نام و نشانی کامل نویسنده تعیین نشده و بعضی هم به کلی فاقد امضا می باشد و چون به نامه های بی امضا به هیچ وجه نمی توان ترتیب اثر داد، از آقایانی که شکایاتی دارند و مطالبی برای روزنامه می نویسند، خواهشمند است نام و نشانی صریح خود را قید کنند که بتوان خلاصه یا عین نامه ایشان را در روزنامه چاپ کرد و چنانچه مراعات این موضوع را ننمایند، نباید منتظر درج مطالب خود در روزنامه باشند. ما نمی توانیم مسئولیت گزارش های کذب را قبول کنیم.

نمای تاریخی

دو تصویر هوایی از میدان تقی آباد و خیابان های احمدآباد. ۱۳۹۵-۱۳۴۲

خط خطی

کارگر

گفت و گو با بانوی امدادگر نمونه که ۱۵ سال، در سخت ترین ماموریت ها حضور داشته است؛

بعد از حضور در بم دیگر نتوانستم هلال احمر را رها کنم

بعضی انتخاب های زندگی سخت است، مثلا اینکه انتخاب کنی سال ها بدون چشمداشت مالی، به مردم کمک کنی، چرتکه نیندازی و منفعتی را هم طلب نکنی. اصلا حتی برایت مهم هم نباشد که شاید سال ها بعد، نامت از بابت آنچه از آن گذشتی؛ بلندآوازه خواهد شد. این انتخاب سخت آدم های زیادی است. لااقل یکی را خوب می شناسم. مرضیه نیکنام، بانوی ۳۳ ساله خراسانی که یکی از زنان امدادگر نمونه کشور است و از سال ۸۶ تاکنون به دفعات از این بابت در استان مورد تقدیر قرار گرفته است. او برای مدت ۱۵ سال، امدادگر ماموریت های دشوار هلال احمر استان بوده و چند صباحی است که تجربیات خود را در کلاس های امداد و نجات به نیروهای تازه نفس این سازمان، منتقل می کند.

یک مسیر سخت اما دوست داشتنی

اما ورود خانم نیکنام به این حوزه سخت و گذراندن آموزش های دشوار امداد و نجات، انگیزه زیادی می خواهد. خودش در این باره توضیح می دهد: در دوران دبیرستان با آموزش امداد اولیه آشنا شده بودم. بعد از کسب دیپلم، به واسطه علاقه ام وارد دوره های هلال احمر شدم. هر چه جلوتر می رفتم، اشتیاقم به آموختن بیشتر می شد. دوست داشتم از این آموخته ها استفاده کنم. حتی به واسطه این علاقه، در دانشگاه رشته مدیریت عملیات امداد و نجات را انتخاب کردم.

وی می گوید که اولین ماموریت او بسیار دشوار بوده است؛ «۱۸ سال داشتم که زلزله بم اتفاق افتاد، ما را همراه یک گروه از امدادرسانان استان به این منطقه فرستادند. عمق فاجعه بسیار بیشتر از آن چیزی بود که تصورش را می کردم. فکر کنید اولین آزمون برای محک زدن آموخته هایت چنان فاجعه تلخی باشد اما عزمی که در امدادگران برای نجات مردم وجود داشت، باعث شد تا من به ادامه این راه مشتاق تر شوم. اصلا آن واقعه و تجربه حضور در آن مسئولیت سنگینی روی دوشم گذاشت و بعد از حضورم در بم دیگر نتوانستم هلال احمر و امدادگری را رها کنم.»

از این امدادگر نمونه کشور می پرسیم خانواده وی از حضورش در این حرفه چقدر استقبال کرده اند که وی پاسخ می دهد: من حدود ۱۵ سال است که به عنوان امدادگر داوطلب با هلال احمر همکاری می کنم، آن هم بدون اینکه حتی یک روز سابقه بیمه داشته باشم یا حقوق خاصی از این بابت دریافت کنم و طبیعتا اگر همراهی خانواده و حمایت های معنوی شان نبود، نمی توانستم این راه دشوار را طی کنم.

می خواهیم بدانیم با این اوصاف حالا اگر به عقب باز گردد، آیا باز هم این فعالیت بی اجر و مزد را انتخاب می کند؟ با لبخند عنوان می کند: از قضا اگر به عقب باز گردم نه از بعد دیپلم که از دوران دبیرستان سراغ این فعالیت خواهم رفت. باور کنید فقط عشق می تواند در این مسیر آدم را پایبند کند.

بیمار از ما قرص شاخدار طلب می کرد

خانم نیکنام در ادامه برای ما تعریف می کند که چطور گاهی ناغافل دستی او را سمت حادثه ای می کشاند تا به قواره خود، به مردم کمک کند؛ «خاطرم هست یک بار پشت چراغ قرمز موتورسواری به همراه خانواده اش که راکبان او بودند، در حال عبور بود. برخوردش به مانعی باعث شد تا کودکش روی زمین پرت شود. من بلافاصله خودم را به صحنه رساندم و اقدامات اولیه را برای نجات کودک که دچار ضربه مغزی شده بود، انجام دادم.»

ماجرای گروه های امداد با نوان یا همان «توانا» را از او جویا می شویم که برایمان توضیح می دهد: «معمولا این گروه ها متشکل از پرسنل خانم و امدادگران داوطلبی است که بعد از گذراندن دوره های مقدماتی کمک های اولیه و امداد و نجات و همچنین دوره های تخصصی به عضویت این گروه درمی آیند و به نوعی پیگیر عملیات تخصصی هستند که شامل امداد، آوار، جاده، اسکان و حمایت روانی می شود. من هم اکنون سرپرست تیم جاده «توانا» هستم.» او در ادامه گوشه چشمی هم دارد به خاطرات جالب از مصدومانی که در مواجهه با حادثه، برخوردهای متفاوتی دارند؛ «گاهی پیش آمده که در صحنه حادثه با شتاب در حال کمک رسانی هستیم، سعی می کنیم توامان همه جوانب را بسنجیم و جالب اینجاست که گاهی فرد مصدوم ما را دلداری می دهد و می گوید که همه چیز درست خواهد شد. یک بار هم به کمک زائر پیاده مصدومی رفته بودم، او مصرانه از من برای دردش مُسَکن شاخ دار طلب می کرد، با تعجب به دیگر امدادگران نگاه کردم و پرسیدم ماجرا چیست؟ بالاخره یکی از همراهانش پیدا شد و برایمان توضیح داد که او قرصی می خواهد که شرکت سازنده آن آرم «گوزن» روی آن درج کرده است و او برای دردهایش این دارو را به این نشانه می شناسد. خلاصه بعدها از باب مزاح اصطلاحش را زیاد در ماموریت ها نقل می کردیم.»

مشهد # Mashhad

شهر و استان در شبکه‌های اجتماعی

محمد سلیمی تهیه کننده برنامه‌های قرآنی صدای جمهوری اسلامی ایران، اخیرا در کانال تلگرامی خود تصویری قدیمی از استاد محمد تقی مروت بنیانگذار هنر تلاوت در ایران را در جمع قاریان مشهد منتشر کرد.

علی مسعودی کمدین مشهدی در پست اینستاگرام خود از دیدار با معلم و همکلاسی‌های قدیمی‌اش نوشت: «بیست و هشت سال پیش ما چهار نفر توی یک کلاس بودیم و میز آخر کلاس رو آتیش می‌زدیم. هادی و احمد و نیسان. اون بزرگوار هم آقای اسماعیل پور دبیر عربی ما بود. قدر روزای خوب زندگیتون رو بدونید. عمر از زود می‌گذرن.»

آفتابگردانی با ارتفاع تقریبی سه متر در شهرستان درگز

یادداشت

حمیدرضا پوریوسف

مدیر کل بهزیستی استان خراسان رضوی

۸۰ درصد از روشندلان استان با معضل بیکاری مواجهند

آمارها حکایت از آن دارند که ۰/۹ از افراد جامعه ما را روشندلان و کم بینایان تشکیل می دهند. این افراد با مشکلات مختلفی روبه رو هستند که تلاش شده است بخشی از آن با حمایت های دولتی، برطرف شود.

البته تمامی این افراد تحت پوشش بهزیستی قرار نمی گیرند، چرا که اغلب اختلالات بینایی خفیف و کمتر از خفیف دارند و مشکلشان با عینک، عمل جراحی و سایر شیوه های درمانی برطرف می شود اما تقریبا تمام افراد نابینای مطلق و کم بینای شدید از خدمات حمایتی بهره مند می شوند.

بر همین اساس، هم اکنون حدود ۱۱ هزار نابینا و کم بینا تحت پوشش اداره کل بهزیستی خراسان رضوی قرار دارند که از این تعداد یک سوم نابینای مطلق و دو سوم کم بینا هستند. مشکلات ژنتیکی و مادرزادی شایع ترین علل اختلالات بینایی در استان ارزیابی شده و در برخی موارد هم علل اکتسابی به اختلالات بینایی منجر شده است، به طور مثال دیابت یکی از علل شایع اختلالات اکتسابی بینایی است؛ حال اگر این قبیل بیماری ها هر چه سریع تر تشخیص داده شود و درمان بهتری انجام گیرد؛ عوارض حاصل از آن کمتر خواهد بود.

به طور کلی می توان گفت که آمار شیوع اختلالات بینایی در استان همچون میانگین کشوری است. حال از آن جا که ازدواج فامیلی در کشور ما بسیار است، برای جلوگیری از شیوع این اختلالات باید مشاوره های ژنتیک قبل از ازدواج جدی گرفته شود. از این رو راه حل اصلی برای پیشگیری از این موضوع آموزش عمومی و مشاوره ژنتیک است.

استان خراسان رضوی جزو ۶ استانی است که دارای مرکز آموزش دولتی ویژه روشندلان است. مرکز «شهید جلیلیان» تنها مرکز دولتی برای ارائه خدمات آموزشی به روشندلان در استان محسوب می شود که خدماتی همچون حرفه آموزی، آموزش رایانه، خدمات کتابخانه، سوادآموزی و بریل، خدمات فرهنگی، آموزش هنری و مهارت های زندگی را ارائه می دهد. البته تعدادی از سازمان های مردم نهاد در استان وجود دارند که در این زمینه فعالیت می کنند از جمله آن ها می توان به مرکز «ثامن الائمه (ع)» اشاره کرد که تشکل بزرگی در مشهد محسوب می شود. علاوه بر آن ۹ تشکل دیگر نیز به طور خاص به روشندلان خدمات ارائه می کنند و ۷ گروه تلفیقی در استان نیز خدمات حمایتی نیک اندیشانه برای معلولان را پوشش می دهند. بنابراین به طور کلی ۱۷ تشکل در استان وجود دارند که اقدامات آموزشی ویژه روشندلان را ارائه می کنند.

اما هم اکنون اشتغال مهم ترین نیاز و دغدغه روشندلان استان است و به رغم آن که حدود ۲ هزار نفر از روشندلان استان تحصیلات دانشگاهی دارند و در صد بسیار زیادی از آنان دارای توانمندی های بسیار هستند، با معضل بیکاری مواجهند. آمار اشتغال روشندلان استان بستگی به تعریف شغل دارد؛ اگر منظور از اشتغال، شغل مناسب بر اساس نوع و سطح تحصیلات باشد؛ حدود ۸۰ درصد از روشندلان ما شاغل نیستند ولی اگر شغل را فارغ از نوع کار و صرفا داشتن آن تعریف کنیم، ۵۰ درصد نابینایان استان بیکار هستند. حال آن که بر اساس قانون جامع کشوری حدود ۳ درصد از ظرفیت استخدامی دستگاه های دولتی لزوما باید از میان معلولان اعم از روشندلان باشد اما از یک سو دولت به سمت کوچک سازی و کاهش تصدی گری حرکت می کند و استخدام دولتی و به تبع آن، به کارگیری قشر نابینا کاهش یافته است و از سوی دیگر عدم استقبال بخش خصوصی از به کارگیری روشندلان به رغم توانمندی این قشر، بر معضل بیکاری آنان افزوده است. مسلم است که با وجود تحصیلات مطلوب و توانمندی های روشندلان، این میزان بیکاری و عدم اشتغال، شایسته این قشر جامعه نیست.

از این رو سازمان بهزیستی استان، مطابق قانون به روشندلان ۴۰ سال به بالا مستمری می دهد که شمار آن ها قابل توجه است. البته این مستمری بسیار ناچیز و حدود ۵۳ تا ۱۰۰ هزار تومان است و عملا کفاف حل مشکل روشندلان را نمی کند. از سوی دیگر بهزیستی استان به منظور حل معضل اشتغال این قشر، وام های قرض الحسنه تا سقف ۱۵ میلیون تومان برای خود اشتغالی آنان اختصاص داده و حق بیمه کارفرمایی را برای روشندلانی که در واحدهای کارفرمایی فعالیت می کنند به صورت کامل تقبل کرده است، همچنین این سازمان در ۶ ماه نخست امسال مبلغی بالغ بر ۲۰۰ میلیون تومان را به خرید تجهیزات توانبخشی اختصاص داده است که حدود ۶۵۰ نفر از این خدمات بهره مند خواهند شد.

مناسب سازی محیط برای تردد و ارائه خدمات شهری مناسب ویژه این قشر نیاز و دغدغه دیگر روشندلان است. به رغم اینکه معتقد هستیم افراد نابینا باید همچون سایر افراد در ارتباطات و کارهایشان مستقل باشند، محیط شهری ویژه روشندلان مناسب سازی نشده است و معابر شهری و وسایل حمل و نقل درون شهری برای روشندلان مناسب نیست.

متاسفانه ناوگان های خصوصی برای روشندلان خدماتی قائل نمی شوند. در زمینه امنیت افراد نابینا باید در جامعه فرهنگ سازی شود و رانندگان عصای سفید را نشان استقلال و حفظ امنیت تردد این افراد بدانند.

در پایان باید عنوان کرد که روشندلان جزوی از جامعه هستند، از این رو باید حقوق حقه این قشر را رعایت کنیم و فقط دولت در این زمینه موظف نیست بلکه کل آحاد مردم باید در این زمینه کوشا باشند و تلاش کنند تغییری مثبت و به نفع روشندلان جامعه رقم بزنند.